



۱۵، ۹، ۵۲

مواجهه با

بازجویی از محترمین

س. حریت نامگزینت شرح الحادیه خود را در باره محمد اشرف از
برویشناش بر سر

حج - اولین آنست که من با اشرف سال پنجم رضی (۱۲۲-۱۲۱) بودم است. در این سال من همراه با اشرف
 کوه را به آن کوه و افتری فعالیت حزب انقلابی داشتیم. اشرف هم بر بود و تعدادی بنظر می رسید. وی در این
 هنگام تدریس فری نگه دار. بسیار گریه فری می کرد. بعد از سال پنجم در باره اشرف از وی اشرف
 بر شوره های افغانی حدود مگن گشت. من از او با فعالیت سیاسی وی در سطح وسیع انگال دیگر
 به اطلاع بودم. محض اشرف در مسابقات قشای دانشگاهی و عضویتش در تیم قشای دانشگاه به نامی
 مرا به این قلمی انقضات که تا به بعد وقت از وقت می گذشت. البته این کار منبای درستی نیست
 زیرا من خودم هم در مسابقات کشتی و هم در مسابقات ورزش برادر دانشگاه شرکت می کردم و در این دوره
 عضویت دانشگاه علوم بودم. این امر برای من حکم پوشش مناسبی را داشت. این موضوع گذشت
 تا عکس اشرف به بنام فراری با هکلی خوب بود و هم ترمیم پایان می کشید. بهر حال در روز
 از کادش طاووسی عضویت تیمی من به هم گزید. چند روز بعد از کادش، ترمیم رفتن به کادش
 متبادی، سر قواری و رفیقه که کادش حاضر شد. هوا تاریک شده بود که ساعت قرار قرار شد
 (۸ بعد از ظهر) یک رفتی موتور سوار که علی خود را به شانده بود و کلاه موتور هم سر و عینک
 تیره بزرگ هم چشم داشت سر و کار حاضر شد. من بلافاصله شناختش و وقتی آنگاه او را
 پرسیدم: اشرف بود. اشرف باور من نیست که دولت دبیران حاضر شد. اشرف حاضر شده، از من پرسید
 تا کشتی بر طرف شده. او بعد از شکاری خوشحال شده بود و بچشم رسیدن من خنده و بر طرف کرد
 یعنی نگار من بقیه (محمد علی پور) سریع معاضرت گفت این رفتی هکلی در دبیر شام است.
 اشرف در این هنگام مسئولیت دولت را به عهده داشت که بر روییم بجای دانشگاه می دادند.
 این دولت هم قدرت بر دزدان (دبیران) (عبارت است) (عبارت است) (عبارت است) (عبارت است) (عبارت است)
 بدشان (چاپیری) (چاپیری) (چاپیری) (چاپیری) (چاپیری) (چاپیری) (چاپیری) (چاپیری) (چاپیری) (چاپیری)
 رفتی عین مفتی بود که به خانه همه به وقت و آمد داشت. تا وقت ۵.۳۰ خانه خلغ و به کادش
 به خانه هاس و صفت رد و انگلی رفتیم. در این کادش ها با اشرف ارتباطی منطقی بر داشتیم تا پانزدهمین سال که
 در خانه که کید با وی هم تیم شدیم. اکنون که در روزگار این پروردگار من مسعودا که زاده هروی و معتبر
 رفتی از دست رفت بودند. محمد اشرف به صورت هتلم مرکزی که در کادش اشرف رفتی و به
 عضویت است. هیچگاه در هیچگاه و چهارت کردی که در کادش اشرف و از کادش اشرف این صورت اشرف

محمد علی پور



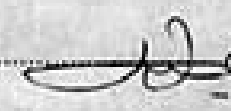
بازجویی از عباس شیرین روزگار

ص ۱

تجرباتی نگاشته شده است. استون که نظر فکورین داران آن ملک فاقد اندیشه و تامل است، لکن
 تجربه بسیار بسیار مانده است و از نظر تکنیکی و فنی خوب است. اکنون که بیشتر درین کشور
 رفقای گروه از دست رفته اند، اشرف رفیق و سایر رفقای بودند، و امروز در این گروه حضور نیست. همه
 تا حدی تحصیل است. این خصوصیت که در سر او بدست می آید و وی را قدرش را در این نزد
 اشرف اکنون مرکزی ترین عضو گروه است و ارتباطات وسیعی دارد. وی شخصاً را با شهرستان
 (را با گروه در شهرستان و در این خطه با هم) و مسئولین تیم در املات مکتوب، همچنین را با گروه با

مجاهدین است. 

س - از گزارش خود را بر او می آید.

س - از گزارش خود را با اشرف و گرامی می نویسد. 



س - در مورد آن شرکت را می آید.

ج -

